**اولین اعلامیه جنگ،** نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران به‌منظور برقراری محاصره دریایی عراق و با هدف ممانعت از تجارت این کشور با سایر کشورهای جهان از طریق آب‌های آزاد و همچنین امکان پدافند مناسب از بندرها، جزایر و تأسیسات نفت و گاز در خلیج‌فارس و ایجاد امنیت کامل برای تجارت آزاد کشور و به‌ویژه امکان صادرات نفت ایران به‌صورت مستمر و روزانه به سایر کشورها؛ اقدام به ایجاد یک منطقه جنگی در خلیج‌فارس کرد (سوادکوهی، 1397: 88). اعلام این منطقه جنگی، به‌طور کامل منطبق بر قوانین بین‌المللی ناظر بر مناطق جنگی در دریا در دوران تخاصم نظامی بین کشورها بود و ضمن تأمین امنیت و منافع خودی در دریا، کشتیرانی آزاد برای سایر کشورهای منطقه و جهان در این آبراه حساس و حیاتی را تأمین می‌کرد. این منطقه جنگی، در تاریخ 31 شهریور 1359 برابر با 22 سپتامبر 1980، به‌صورت رسمی اعلام شد و آب‌های خلیج‌فارس در محدوده بین سواحل شمالی ایران و خطوطی که نقاط بین دوازده مایلی جنوب جزایر ابوموسی و سیری را به جنوب چراغ دریایی کیبل بنک و دوازده مایلی جنوب شرقی جزیره فارسی متصل می‌کرد، در برمی‌گرفت. این جزایر، جنوبی‌ترین جزایر ایرانی خلیج‌فارس هستند و محدوده بین آن‌ها و سواحل ایران به دلایل کاملاً مشخصی، محدوده جنگی اعلام شد و مورد اعتراض جدی سایر کشورها و یا نهادهای بین‌المللی نیز قرار نگرفت (اطلاعیه: 59/17). متن کامل اطلاعیه که به درخواست ستاد نیروی دریایی ارتش، از اداره سوم ستاد مشترک درخواست شده بو‌د، به این شرح بود: «با توجه به ‌تجاوزات عراق به ایران اسلامی، بدین‌وسیله کلیه مرزهای آبی نزدیک سواحل ایران، منطقه جنگی اعلام می‌شود و کشور ایران، اجازه حمل کالا به ‌بندرهای عراق را به‌ هیچ‌یک از کشتی‌ها نخواهد داد. برای امنیت کشتی‌رانی در خلیج‌فارس، اعلام می‌دارد مسیرهای زیر می‌بایستی رعایت شود: کشتی‌ها پس از عبور از تنگه هرمز، مسیر خود را طوری تغییر دهند که از دوازده مایلی جنوب جزیره ابوموسی، دوازده مایلی جنوب جزیره سیری، جنوب چراغ دریایی کیبل بنک و از دوازده مایلی جنوب غربی جزیره فارسی عبور نمایند. کشور ایران، تعهدی در برابر سرپیچی‌کنندگان از این اعلامیه نخواهد داشت.» (معنوی و دیگران، 1396: 32) همان‌گونه که در متن این اعلامیه مشخص‌ شده است، نیروی دریایی ارتش برای کشتی‌رانی بین‌المللی در تنگه هرمز، هیچ‌گونه محدودیت و خطری به‌استثنای کشور عراق که با ایران در جنگ بود، ایجاد نکرد و براساس حقوق بین‌الملل دریایی، تمامی کشتی‌ها می‌توانستند آزادانه به‌ بنادر سایر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج‌فارس که با ایران در جنگ نبودند، تردد کنند. جمهوری اسلامی ایران برای روشن‌شدن افکار عمومی جهان، در 20 مهر 1359 رسماً تعهد خود مبنی بر باز نگاه‌داشتن تنگه هرمز برروی کشتیرانی بین‌المللی را مورد تأکید قرار داد (وزارت امور خارجه، 20/7/1359) با توجه به استقرار ناوچه‌های موشک‌انداز نیروی دریایی ارتش در شمال غربی خلیج‌فارس و همچنین اجرای گشت‌های دریایی در جنوب شرقی جزیره بوبیان، به‌منظور کنترل و مراقبت از ترددهای دریایی از دهانه خور عبدالله با هدف جلوگیری از عزیمت کشتی‌ها به بندر ام‌القصر عراق، اطلاعیه دیگری برای هشدار به کلیه شرکت‌های کشتی‌رانی که قصد عزیمت به بندر ام‌القصر دارند، صادر و منتشر شد که ضمیمه اعلامیه قبلی بود و مسیر تردد کشتی‌های تجارتی را در شمال غربی خلیج‌فارس تا نقطه مشخص‌شده در شمال شرقی جزیره بوبیان محدود می‌کرد. خور عبدالله به‌این‌ترتیب، مسدود اعلام شد. متن اعلامیه مذکور به این ‌شرح بود: «نظر به وجود مخاطرات بالقوه در شمال غربی خلیج‌فارس، کشتی‌های تجارتی که عازم بنادر ایران نیستند، موظف به ‌رعایت این دستورات‌ که مکمل اعلامیه دریایی شماره 59/17 است، می‌باشند. این دستورالعمل صرفاً به‌منظور تضمین ایمنی و امنیت کشتی‌رانی تجارتی در منطقه می‌باشد. 1- پس از رسیدن به ‌دوازده مایلی جنوب جزیره فارسی، کشتی‌ها بایستی در غرب محوری که نقطه 2755 شمالی و 4953 شرقی را به نقطه 2910 شمالی و 4912 شرقی وصل می‌کند؛ عبور کنند. 2- تا محدوده محور 4840 شرقی، تمامی کشتی‌ها موظف هستند در جنوب محور 2910 شمالی دریانوردی کنند. 3- کشتی‌هایی که به‌مقصد کویت در حرکت هستند و از محور 4840 شرقی عبور کردند، می‌توانند در جهت شمال به‌سوی کویت دریانوردی کنند. 4- کشتی‌هایی که به‌مقصد بنادر ایران در حرکت می‌باشند؛ طبق اعلامیه دریایی 59/22 ایران، عمل خواهند کرد. 5- عدم توجه به دستورات مذکور، ممکن است مانع عبور آزاد کشتی‌ها و به مخاطره‌افتادن امنیت آن‌ها شود که در آن صورت، مقامات ایرانی هیچ‌گونه مسئولیتی را پذیرا نخواهند بود».در همین رابطه ناوچه موشک‌انداز پیکان که در هجدهم مهر 1359، مأموریت گشت و کنترل راه‌های دریایی مواصلاتی دشمن و دهانه خورعبدالله را بر عهده داشت یک فروند کشتی تجاری را که قصد ورود به ‌خورعبدالله داشت و به‌ اخطارهای این ناوچه بی‌توجه بود، موردحمله قرار داد و صدماتی به آن وارد آورد (معنوی و دیگران، 1396: 34). از منظر حقوقی نیز اقدامات ایران در ایجاد منطقه جنگی، با دو هدف دنبال می‌شد: هدف اول، حفظ امنیت نیروها و تأسیسات نفتی، بنادر و جزایر خودی و هدف دوم، حفظ امنیت کشتیرانی بین‌المللی بود که هردو هدف، منطبق بر قوانین بین‌المللی بود (همان). اگرچه تمامی خلیج‌فارس و دریای عمان برای نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی، صحنه نبرد دریایی محسوب می‌شد؛ اما صرف‌نظر از دلایل تاکتیکی و راهبردی صحنه نبرد دریایی با عراق، باید اذعان داشت که منطقه شمال خلیج‌فارس پس از تنگه هرمز، مهم‌ترین بخش خلیج‌فارس محسوب می‌شود. محدوده جنگ دریایی ایران و عراق، عمدتاً در شمال غرب خلیج‌فارس متمرکز بود. ازآنجاکه عراق فاقد سواحل و جزایر راهبردی در خلیج‌فارس است، تنها می‌توانست از دو بندر عمده بصره و ام‌القصر برای مقاصد نظامی خود استفاده کند. البته در طول اروندرود، بنادر کوچک دیگری نیز مانند فاو می‌توانستند برای عملیات نظامی مورداستفاده قرار گیرند؛ اما به دلیل اشرافیت ایران بر اروندرود و بسته‌شدن این آبراه مهم و راهبردی که نقش مهمی در تأمین تجارت خارجی عراق ایفا می‌کرد، بنادر این مسیر ازجمله بندر مهم و تاریخی بصره از ابتدای جنگ، عملاً مسدود شدند و وضعیت آن‌ها تا پایان جنگ، به همین ترتیب باقی ماند (سوادکوهی، 1397: 92). **مآخذ**: سلیمانی سوادکوهی، شاهرخ، اقدامات و نتایج عملیات نیروی دریایی ارتش در مقابله با تجاوزات و مداخلات عراق و نیروهای فرامنطقه‌ای، تهران: دانشگاه فرماندهی و ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران، 1397؛ اطلاعیه دریانوردان: 59/17 منتشرشده در 31 شهریور 1359؛ نامه رسمی وزیر امور خارجه ایران به دبیرکل سازمان ملل متحد، 20/7/1359؛ سند: اس/14/226‌؛ معنوی رودسری، عبدالله و دیگران، جنگ تحمیلی و امنیت خلیج‌فارس، تهران: هیئت معارف جنگ شهید صیاد شیرازی: 32 و 3۴.